



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

۱۱۶۶

شماره چاپ

۵۰۶

شماره ثبت

دوره هفتم - سال دوم

تاریخ چاپ ۱۳۸۴/۸/۲۸

دو شوری

لایحه اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل
دادگاههای عمومی و انقلاب

قضایی و حقوقی

کمیسیونهای ارجاعی، اصلی:

فرعی:

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

شماره ۳۳۸۸۳/۴۸۵۵۸

تاریخ ۱۳۸۴/۸/۲۴

جناب آقای حدادعادل

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که بنا به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۷/۳ هیأت وزیران به تصویب رسیده است، برای طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می شود.

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور

با توجه به اشکالها و ابهامهای عملی موجود در اجرای ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و در راستای رفع کاستیها و تقویت نقش شعبه تشخیص دیوان عالی کشور و پاسخگویی به نیازهای جدید، لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می شود:

لایحه اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل

دادگاههای عمومی و انقلاب

ماده واحده - ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب

۱۳۸۱ به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۱۸ - آرای غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان می باشد که در قوانین آئین

دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون

قضایی و حقوقی و ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است. در مورد آرای

قابل تجدیدنظر یا فرجام، تجدیدنظر و فرجام خواهی بر طبق مقررات آئین دادرسی مربوط

انجام می شود. در مورد آرای قطعی صادر شده از دادگاههای عمومی حقوقی، عمومی

جزایی، انقلاب، نظامی، تجدیدنظر استان، کیفری استان، دیوان عالی کشور و دیوان عدالت

اداری جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است

نمی توان رسیدگی مجدد نمود مگر آنکه رأی پس از طی مراحل رسیدگی، تجدیدنظر و

فرجام خلاف بین شرع باشد که در این صورت رئیس قوه قضائیه به عنوان عالی ترین مقام

قضایی ضمن دستور توقف اجرای رأی به ترتیبی که در تبصره (۳) این قانون مقرر شده

است، پرونده را برای رسیدگی مجدد به شعب مرجع صالح رأساً ارجاع می کند.

تبصره ۱ - مراد از خلاف بین شرع آن است که مبنای فقهی و یا قانونی مورد استناد

قاضی، خلاف مسلمات فقه باشد.

تبصره ۲- رسیدگی به این پرونده‌ها در شعبی از دیوان عالی کشور که شعبه تشخیص نامیده می‌شوند و با حضور سه قاضی منصوب از سوی رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردند، انجام می‌گیرد و رأی اکثریت آنان مناط اعتبار است.

تبصره ۳- برای اجرای این ماده یکی از معاونان رئیس دیوان عالی کشور، رئیس کل دیوان عدالت اداری، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و رئیس کل دادگستری استان که دارای حسن سابقه و تجربه قضایی کافی باشند، از سوی رئیس قوه قضائیه حسب مورد به‌عنوان معاون نظارت مراجع مذکور منصوب می‌شوند. معاونان نظارت ضمن بازرسی‌های مستمر آرای را که خلاف بین شرع تشخیص دهند با گزارش لازم و اظهار نظر مستند و مستدل برای اتخاذ تصمیم نزد رئیس قوه قضائیه ارسال می‌نمایند.

تبصره ۴- آرای صادر شده از شعبه‌های تشخیص جز در مواردی که رئیس قوه قضائیه آنها را خلاف بین شرع بداند و به شعبه هم عرض ارجاع کند، قطعی و لازم‌الاجراء می‌باشد.

تبصره ۵- شعبه‌های تشخیص به پرونده‌هایی که پیش از لازم‌الاجراء شدن این قانون وارد و ثبت شده‌اند، مطابق مقررات زمان ورود آن پرونده‌ها رسیدگی می‌نمایند.

تبصره ۶- آئین‌نامه اجرایی این قانون ظرف یک ماه از تاریخ تصویب قانون بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

وزیر دادگستری

رئیس جمهور

ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب

مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۷

۹- متن زیر به عنوان ماده (۱۸) و تبصره های آن به قانون افزوده می شود:

ماده ۱۸ - آرای غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام، همان می باشد که در قوانین

آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸

کمیسیون قضایی و حقوقی و ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است.

در مورد آرای قابل تجدیدنظر یا فرجام، تجدیدنظر و فرجام خواهی بر طبق مقررات آئین

دادرسی مربوط انجام می شود.

در مورد آرای قطعی، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در

قوانین مربوط مقرر است نمی توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رأی، خلاف بین قانون یا

شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری)

و یا دادستان مربوط (در امور کیفری) ممکن است مورد تجدیدنظر واقع شود.

تبصره ۱ - مراد از خلاف بین این است که رأی برخلاف نص صریح قانون و یا

در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد.

تبصره ۲- درخواست تجدیدنظر نسبت به آراء قطعی مذکور در این ماده اعم از اینکه رأی در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی قطعی شده باشد یا قانوناً قطعی باشد و یا از مرجع تجدیدنظر صادر گردیده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که «شعبه تشخیص» نامیده می‌شود تقدیم گردد. شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به انتخاب رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود.

در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید، رأی را نقض و رأی مقتضی صادر می‌نماید. چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند، قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی را صادر خواهد نمود. تصمیمات یاد شده شعبه تشخیص در هر صورت قطعی و غیر قابل اعتراض می‌باشد مگر آنکه رئیس قوه قضائیه در هر زمانی و به هر طریقی رأی صادره را خلاف بین شرع تشخیص دهد که در این صورت جهت رسیدگی، به مرجع صالح ارجاع خواهد شد.

تبصره ۳- خواهان تجدیدنظر باید هزینه تجدیدنظرخواهی را وفق قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ده روز پس از اخطار دفتر شعبه تشخیص، بدون عذر، هزینه را پرداخت ننماید، شعبه تشخیص قرار رد درخواست او را صادر خواهد نمود. این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض می‌باشد. اگر تجدیدنظرخواهی از سوی دادستان مربوط باشد، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. این معافیت شامل سایر مواردی هم که دادستان تقاضای تجدیدنظر نماید، می‌باشد.

تبصره ۴ - جز در مورد اختیار ذیل تبصره (۲) این ماده از هیچ حکم قطعی یا قطعیت یافته بیش از یک بار نمی توان به عنوان خلاف بین درخواست تجدیدنظر نمود.

تبصره ۵ - در مواردی که برحسب قانون دیوان عالی کشور باید اعاده دادرسی را تجویز کند، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره (۲) این ماده خواهد بود.